



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

commonspace.eu

داستان پیچیده روابط تهران و باکو

روابط جمهوری آذربایجان و ایران پس از یک رشته بحران‌های دیپلماتیک و مانورهای نظامی در نزدیکی مرزهای دو کشور در دو سال گذشته به حالت عادی بازگشته است. سیگنال‌های اخیر نشان‌دهنده تعهد بالا به قوانین جدید تعامل است. زیرا رهبران باکو و تهران به‌طور فزاینده‌ای بر روی مدیریت اختلافات توافق دارند و در عین حال از فرصت‌های استراتژیک ناشی از مشارکت منطقه‌ای بهره می‌برند. آذربایجان ممکن است به‌زودی سفارت خود را در تهران که پس از حمله ژانویه ۲۰۲۳ بسته شده بود، بازگشایی کند زیرا ایران با اتخاذ تدابیر مورد انتظار باکو موافقت کرده است. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران در ۶ مارس، در دیدار با همتای آذربایجانی خود، گفت که دو همسایه «فصل جدیدی» را در روابط دوجانبه با چشم‌اندازهای زیادی برای همکاری گشوده‌اند. حالا وقت عمل است. در ۱۵ مارس، پرویز شهبازوف، وزیر انرژی آذربایجان برای گفت‌وگو در مورد همکاری‌های انرژی به تهران رفت. اخیراً طرف ایرانی اعلام کرده که مقدمات پروژه‌ای که هدف آن اتصال و همگام‌سازی شبکه‌های برق روسیه، آذربایجان و ایران است در مرحله نهایی است. این بخشی از مشارکت سه‌جانبه گسترده‌تر در زمینه اتصال شمال به جنوب خواهد بود که پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ شتاب بیشتری گرفت. در ماه مه ۲۰۲۳، روسیه و ایران یادداشت تفاهمی برای تکمیل راه‌آهن رشت - آستارا امضا کردند که گلوگاه اصلی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب (INSTC) است که روسیه را از طریق آذربایجان و ایران به هند متصل می‌کند. در کمال تعجب بسیاری، دوستی جمهوری آذربایجان و ایران در حوزه‌های نظامی و فرهنگی نیز به نمایش گذاشته شده است که در چند سال اخیر امن‌ترین جنبه روابط دوجانبه بوده است. معاون وزیر دفاع جمهوری آذربایجان، سرهنگ کرم مصطفی‌اف، معاون اول وزیر دفاع جمهوری آذربایجان در تاریخ ۳ مه با سرلشکر عزیز نصیرزاده، معاون اول ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در تهران دیدار و در مورد چشم‌انداز همکاری‌های دفاعی گفت‌وگو کرد. آنچه که این دیدار را بسیار مهم می‌کند، زمان آن در پی درگیری اخیر بین ایران و اسرائیل، شریک راهبردی اصلی آذربایجان در خاورمیانه است. حالا که تنش بین ایران و اسرائیل از خطوط قرمز خود عبور کرده است، ظاهراً باکو لازم می‌داند که با همه طرف‌های درگیر هماهنگی لازم را برای جلوگیری از سرریز شدن تنش به قفقاز جنوبی انجام دهد. تهران به نوبه خود برای جلوگیری از یک جنگ همه‌جانبه با اسرائیل و ایالات متحده، در حال تعامل با کشورهای همسایه است. مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ ایران در جریان بازدید از ششمین مجمع جهانی گفت‌وگوی بین‌فرهنگی آذربایجان در تاریخ اول اردیبهشت‌ماه، اعلام کرد که دو کشور پروژه مشترک سینمایی را در باره زندگی نظامی گنجوی شاعر قرن دوازدهم آغاز کردند. آذربایجان و ایران در خصوص تعلق این شاعر همواره با هم اختلاف داشته‌اند. تغییر تمرکز بر گذشته مشترک فرهنگی و ارائه چهره‌هایی مانند نظامی گنجوی به‌عنوان پلی بین دو کشور ممکن است جنبه‌های هویتی تنش‌های بین دو کشور را که در پاییز ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به اوج رسید، کاهش دهد. آنچه که آب شدن اخیر روابط آذربایجان و ایران را قابل توجه‌تر می‌کند این است که این روابط در پس‌زمینه افزایش عدم اطمینان شکل گرفته است. جنگ جاری بین اسرائیل و حماس، نقش آفرینی غیرمستقیم ایران در جنگ از طریق «محور مقاومت» و انحراف تمرکز اسرائیل به همسایه‌های ایران، آذربایجان را در موقعیت دشواری قرار داده است. زمانی وضعیت بدتر شد که حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه در اول آوریل باعث تبادل حملات مستقیم بین دو طرف شد و محیطی بسیار غیرقابل پیش‌بینی برای کشورهای همسایه از جمله آذربایجان ایجاد کرد. اگرچه به نظر می‌رسد عادی‌سازی روابط آذربایجان و ایران آزمون استرس‌رسان پس‌گذاشته است، اما پویایی‌های امنیتی در حال وقوع در قفقاز جنوبی و خاورمیانه فشار بیشتری بر این روند وارد می‌کند که اگر با دقت با آن برخورد نشود، می‌تواند به راحتی طرفین را در مسیر برخورد قرار دهد.



دیپلمات‌های ایران

بهره‌بردار از نیروی انتقال گاز توسط محمد رضا پهلوی و تیمکای یادگوری در آستارا

گزینه مناسبی برای این موضوع می‌گشت و شاهزاده قاجاری که شهوت قدرت و نخست‌وزیری نداشت و بیشتر به ثروت خانوادگی اش تکیه داشت، گزینه مناسبی بود. عضدی نیز در عین حال دغدغه شریف‌امامی را درک می‌کرد و به او تعهد داد که از ارتباط ویژه وزیر خارجه با شاه علیه او استفاده نخواهد کرد و گزارش همه مکالمات با شاه را به او خواهد داد.

یدالله عضدی، فرزند نصرت‌الله میرزا ملقب به امیراعظم و نواده وجیه‌الله میرزا سپهسالار، در سال ۱۲۷۷ در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات عالی در پانزده سالگی برای ادامه تحصیل به عثمانی سفر کرد و در دو سال در آن کشور تحصیل کرد. او به زبان‌های فرانسوی، اسپانیولی و آلمانی مسلط بود. هنگام تولد یدالله میرزا در سال ۱۲۷۷، پدرش نصرت‌الله میرزا امیراعظم تفنگدارباشی مظفرالدین‌شاه و پدر بزرگش وجیه‌الله میرزا سپهسالار وزیر جنگ ایران بود. پدر بزرگ پدر او سلطان احمد میرزا عضدالدوله نویسنده تاریخ عضدی فرزند فتحعلیشاه قاجار از زن سوگلی او طاووس خانم تاج‌الدوله بود که اهل گرجستان و زنی شاعر و ادیب و خطاط بود. فتحعلیشاه تخت طاووس را به نام او نامگذاری کرد. یدالله میرزا نیز بعدها که شناسنامه و نام‌خانوادگی در ایران رواج یافت، براساس لقب نیای پدری اش عضدالدوله نام خانوادگی عضدی را برگزید.

نصرت‌الله میرزا که از مشروطه‌خواهان بود، حکمران قومس بود و املاک وسیعی در آن داشت. در بحبوحه جنگ جهانی اول که قشون‌های روس و انگلیس وارد ایران شده و با آلمانی‌ها و عثمانی‌ها می‌جنگیدند، به خیال سلطنت افتاد و سپاهی فراهم کرد اما در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در جنگ با نیروهای دولتی به فرماندهی اسماعیل‌خان شعاع لشکر کشته شد. یدالله میرزا عضدی که در این زمان هفده سال داشت را به تهران احضار کردند. او به اتفاق عبدالمجید میرزا عین‌الدوله عموی پدرش، به ملاقات احمدشاه رفتند. شاه جوان قاجار به وی تسلیت گفت و او را مورد لطف قرار داد و لقب امیراعظم و حکمرانی شاهرود و سمنان و دامغان که هر دو لقب و شغل پدرش بود، به وی داد. عضدی چند سالی حکومت شاهرود و بسطام را داشت، سپس به حکومت استرآباد که آن هم از مشاغل پدرش بود منصوب شد.

جوان خوش‌پوش و وزارت امور خارجه

با پایان سلطنت قاجار و روی کار آمدن رضاشاه بود که یدالله عضدی به واسطه رفاقت با عبدالحسین تیمورتاش در سال ۱۳۰۶ به وزارت امور خارجه انتقال یافت و به اولین سمتش یعنی مستشاری ایران در برلن منصوب شد. ویژگی‌ای که یدالله عضدی را به وزیر دربار قدرتمند رضاشاه نزدیک می‌کرد شیک‌پوشی و پیروی هر دو از مد روز اروپایی بود؛ ویژگی‌ای که تنها عده معدودی از اشراف و دولتمردان به آن دسترسی داشتند و البته همه مانند این دو در این زمینه پیرو مد روز نبودند. یدالله عضدی در جوانی با افسر خانم سومین دختر وثوق‌الدوله ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد. حمیده و عزیزه عضدی هر دو در ایران معروف شدند. عزیزه عضدی با ترجمه بیش از ده کتاب درباره هنر و فرهنگ به فارسی، مترجم معروفی شد و حمیده نیز با لقب پرنسس هاموس به یکی از سرآمدان صنعت مد در ایران بدل شد. دختران عضدی ابتدا در زمان ماموریت پدر در آلمان، در مدرسه معتبری در مونیخ با بسیاری از فرزندان اشراف و شاهزادگان آلمان و پروس از جمله با دو دختر خوانده مارشال هیندنبورگ، رئیس جمهور وقت آلمان هم‌درس شدند. عضدی پس از بازگشت به تهران، به ریاست اداره‌ی کارگزینی منصوب شد که برای یدالله جوان پست مهمی بود. مدتی هم رئیس کابینه‌ی وزاری و کارگزینی را توأمًا بر عهده گرفت. در سال ۱۳۱۰، با سمت شارژدافر - کاردار - به واشنگتن رفت و به مدت دو سال طی سال‌های ۱۳۱۲ - ۱۳۱۰، در آمریکا بود. در تیرماه ۱۳۱۲، با سمت وزیر مختاری عازم ورشو، پایتخت لهستان شد و در دی‌ماه همان سال به ایران بازگشت. سپس ریاست اداره سجلات و تذکره و تابعیت را به دست آورد. در سال ۱۳۲۰ الیه‌یار صالح، معاون مالی وزارت دارایی به‌عنوان سفیر رهسپار آمریکا شد و وزیر دارایی شریف‌زاقلی امیر خسروی به جای او، عضدی را برگزید و در هفتم اردیبهشت ۱۳۲۰ در این سمت معرفی کرد. یدالله عضدی در اسفند ۱۳۲۰ به مدد نصب اشرافی و ارتباط با محافل قدرت در چهارمین ترمیم کابینه‌ی ذکاء‌الملک فروغی، به سمت وزیر دارایی تعیین شد و مجلس با اکثریت ضعیفی به این کابینه رای اعتماد داد ولی فروغی از این عمل مجلس تکدر خاطر پیدا کرد و از نخست‌وزیری استعفا داد. علی سهیلی جانشین فروغی شد و در کابینه‌ی خود یدالله عضدی را به سمت وزیر راه تعیین نمود. در مردادماه ۱۳۲۱ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه از طرف مجلس به نخست‌وزیری انتخاب گردید و در کابینه‌ی خود پست وزارت راه را بر عهده‌ی عضدی قرار داد. در سال ۱۳۲۲ عضدی به سمت وزیر مختار ایران در برزیل تعیین شد و سفارت را در آنجا بنیاد نهاد. این ماموریت قریب پنج سال به طول انجامید و عضدی علاوه بر وزیر مختاری در برزیل، وزیر مختار آکرویدته در آرژانتین بود و بالاخره وزیر مختار

که نصیبش به طاووس سوگلی فتحعلیشاه قاجار برسد، باید هم پیرو مذهب اشرافی باشند. یدالله عضدی که از هفده سالگی میراث‌دار املاک پدرش در تهران و شاهرود بود، در دوران رضاشاه با حمایت عبدالحسین تیمورتاش وارد دستگاه وزارت خارجه شد و پس از آن ماموریت‌های دیپلماتیک او از آلمان، آمریکا، برزیل، آرژانتین و عراق آغاز شد. در این میان مدتی وزیر راه در کابینه قوام و سهیلی شد و در نهایت در کابینه جعفر شریف‌امامی به وزارت امور خارجه برگزیده شد. او که علاوه بر نصب پدری داماد و وثوق‌الدوله نیز بود بیش از آنکه به سیاست و درایت شهره باشد به خوش‌پوشی و برندپوشی علاقه داشت و مناصب دولتی‌اش نیز زمینه زندگی تجملی و اشرافی‌اش بود و در سیاست نیز ایده و تفکر ویژه‌ای را دنبال نمی‌کرد و به همین دلیل نیز بود که گزینه مناسبی برای وزارت امور خارجه در کابینه جعفر شریف‌امامی شد. شریف‌امامی که پس از منوچهر اقبال نخست‌وزیری را بر عهده گرفته بود با وجود آنکه غلامعباس آرام به‌عنوان وزیر امور خارجه رضایت شاه را در کابینه اقبال جلب کرده بود، مایل بود وزیران خود را به شاه معرفی کند و به همین دلیل به‌دنبال



داود دشتیانی
خبرنگار گروه دیپلماسی

رجال و حتی شاهزاده‌های قاجاری تا پایان دولت پهلوی در دستگاه دولت صاحب‌منصب بودند. با وجود آنکه پهلوی دل خوشی از قاجاریه نداشت و همواره نگران بازگشت یا ادعای سلطنت از سوی این خاندان بود اما نمی‌توانست برای اداره کشور از این رجال دارای تحصیلات کند. چه اینکه بسیاری از این رجال دارای تحصیلات اروپایی و تجربه در اداره کشور بودند. یدالله عضدی معروف به امیراعظم یکی از نوادگان فتحعلیشاه قاجار بود که با ثروت افسانه‌ای که رانت‌های دوره پهلوی نیز به افزایش آن کمک می‌کرد، از نخستین مروجان مد و تجملات برند نیز در ایران شد و البته دخترش پرنسس هاموش به‌طور تخصصی عرصه مد را پیگیری کرد و به یکی از چهره‌های جهانی صنعت مد بدل شد. البته خانواده‌ای